



گفت و گوی صبا با حسین بیات پژوهشگر تئاتر کار منتقد عیب گویی نیست

«ملاقات بانوی سالخورده» شاهد هستیم، سیستم سرمایه داری کاری می کند که وجدان از امری فردی به امری جمعی تبدیل شده و کارکردی ابزاری پیدا کند. همان طور که معلم شهر در رویکرد فردی خود، با اعدام «ایل» مخالف است اما به مرور با مردم همراه شده و در هم صدایی با مردم شعار می دهد که به خاطر عدالت ایل باید اعدام شود! در انتها لازم می دانم توضیح دهم که چنانچه کارگردان مسئله اولیه داستان را در پرده اول متوجه نشود، در پرده سوم که زمان گره گشایی است، نمی تواند مسئله را حل و فصل کرده و پایان بندی مناسبی را متناسب با اثر ارائه دهد. این گونه است که نمایشنامه های بزرگ توسط کارگردانان به ظاهر روشن فکر نابود می شود.

با این وصف آیا اجرای این نمایش توانسته بود، این مفاهیم را انتقال دهد؟

نقطه عطف اول نمایشنامه (ورود زاخاناسیان به شهر است)، نقطه عطف دوم (عدالت جویی جمعی و هم صدایی مردم در اعدام «ایل» است)، نقطه اوج (تسلیم شدن «ایل» در برابر خواست جامعه است) و پایان بندی (اعدام ایل) است. این نقاط در بستر نمایش باید به خوبی نمایان شوند تا حرکت روایی اثر، در تحولات داستانی جریان یابد. کارگردان با استفاده از عناصر نمایشی و درک نقاط عطف به این مهم دست می یابد، در این نمایش کارگردان با تاکید گذاری و پررنگ کردن نقاط دیگر، نقاط مهم نمایشنامه را که حاوی چرخش روایی است، کم رنگ جلوه داده و اجرای نمایش مهم ترین آسیب خود را از این ناحیه متحمل شده است.

ویژگی متمایز اجرای نمایش را در چه چیز می دانید؟

این نمایشنامه پایان محتومی دارد، اما این اجرا موفق می شود تا مخاطب را با این سوال بزرگ که سر مردم این شهر چه می آید؟ روبرو کند، تا پاسخ این پرسش را در خویش جستجو کند، از این حیث این نمایشنامه فاخر و گروه نمایش انتخاب مناسبی داشته است.

صحبت پایانی:

بنده منتقد نیستم و فقط به نکات کوتاهی اشاره کردم تا شاید کمکی به اجرای گروه شایسته «ملاقات بانوی سالخورده» کرده باشم. همچنین امیدوارم منتقدان به جای شکایت از سیستم نمایش به بهانه تئاترها به فکر سازندگی نظام تئاتری کشور باشند و جایگاه خود را اشتباه نگیرند.

عامه، این کتاب را به مخاطبان و منتقدان پیشنهاد می کنم.
اما تعریف منتقدان کنونی کوبیدن صاحب اثر است، چرا؟
منتقد باید چندین پله از نظر علمی از هنرمند بالاتر باشد تا بتواند پیام او را تفسیر کند؟ منتقد فقط یک فرد عیب گو نیست که به هر چیزی چنگ می زند تا بالاتر بودن فهم خود را در بد بودن اثر ثابت کند. ایمانوئل کانت معتقد است؛ «هنر زیبا، برتری خود را در این نشان می دهد که چیزهایی را به عنوان زیبا توصیف می کند که ممکن است، بالطبع زشت یا نامطبوع باشد».

اولین مواجهه مخاطب با نمایش، درک ارتباط متن با تجربه زیسته او در عصر حاضر است، با این وصف انتخاب متن و اجرای نمایشنامه «ملاقات بانوی سالخورده» چه وجه اشتراکی با جامعه امروز دارد؟

این متن در خشان توسط فردریش دورنمات نوشته شده، او فلسفه آکادمیک خواننده و اسپینوزا را می شناسد. در فضای مدرن و شکل گیری سیستم بورژوازی یا سرمایه داری زیست کرده و از این حیث نمایشنامه بی نظیری را خلق کرده است. او در این نمایشنامه، سرمایه داری علیه جامعه بشری را با توجه به فلسفه مارکس، طبقه کارگر و ضعیف جامعه نشانه گرفته است. سرمایه داری زمانی که به شهر می آید، انسانیت را تحت تاثیر قرار داده و از مردم شهر کارخانه برده سازی می سازد. فاجعه ای که هم اکنون در جامعه جهانی شاهد آن هستیم. دورنمات در این متن به اسپینوزای تکفیر شده توسط سیستم سرمایه داری یهودیان اشاره دارد. دومین و شاهکارترین سویه فکری دورنمات پیشگویی نیهیلیسم است. یعنی بی ارزش بودن ارزش ها، که اکنون در عصر پست مدرن شاهد آن هستیم و فیلسوفان بزرگ به دنبال راهی برای فرار از آن و کمک به بشریت هستند. زمانی که «ایل» (قهرمان سابق شهر) در برابر مردم شهر جایگاه ارزشی خود را از دست می دهد، مردمی را می بینیم که به دنبال امیال زودگذر و تامین نیازهای اولیه خود با او بیگانه شده و او را روانه چوبه دار می کنند. پس از آن بحران فقدان معنویت شهر را فرا می گیرد. مسئله مهم دیگر در نمایشنامه، مسئله وجدان است! زمانی که جامعه دچار بحران بی وجدانی شود، انسانیت نیز به مرور محو شده و انسان به حیوانی ناطق بدل می شود. این مسئله در زمان ابله اثر داستایفسکی نیز به وضوح بیان شده است. بدین ترتیب در نمایش

سمیه خاتون - نمایش «ملاقات بانوی سالخورده» به کار خود در سالن چهارسو تئاتر شهر پایان داد. منتقدان و علاقه مندان به نمایش، این اثر را فاقد ارزش برای اجرای صحنه ای خواندند و نقدهای کوبنده ای را نسبت به این اثر نمایشی در فضای مجازی و رسانه ها منتشر کردند، خبرنگار صبا با حسین بیات، پژوهشگر تئاتر درباره این اثر و روش مواجهه منتقدان با اثر، گفت و گویی داشته است که در ادامه می خوانید.

در شروع به عنوان یک منتقد، نظر تان را درباره مقوله نقد بفرمایید.

من منتقد نیستم و خود را روشن فکر نیز نمی دانم، یک دانش پژوه هستم که از همه کس یادگیری می گیرم. اما پس از خواندن عمده نقدهایی که امروزه در فضای مجازی منتشر می شود، برایم چالش شد که، اگر منتقدان مهم ترین نقش را در فهم اثر دارند، چه رویکردی را باید در مواجهه با اثر اتخاذ کنند؟ رویکرد روشنفکری که در نقد خود نه به فلسفه، نه به ادبیات و نه به مسئله نویسنده! و نه حتی به فرم اثر اشاره دارد؟! و تنها سلیقه خود و گله گذاری های شخصی خود را در مواجهه با اثر بیان می کند! این نقد به چه دردی می خورد؟

با این وصف از نظر شما منتقد متخصص کیست؟ و چگونه می توان یک گله گذاری شخصی را از نقد واقعی تمیز داد؟

روش مواجهه هنری با اثر عبارت است از: التذاذ همراه با تشخیص، درک ارزش اثر، شناخت ورد ناسره ها، واکنش پخته در برابر آنچه اصل است. در واقع مخاطب به نقد روی می آورد تا آگاهی اش درباره اثر توسعه و تقویت شود. دیوید دیچز در کتاب «شیوه های نقد ادبی» به درستی اشاره می کند که نقد می تواند از طریق حمله رویاروی به آثار ادبی معین و بررسی نظری درباره ماهیت ارزش ادبی، و نیز از راه تحقیق در منشأ و نمونگیزه های اثر، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، از عهده این وظیفه بر آید. در واقع هر منتقد ادبی با دیدن برخی جنبه های هنری می تواند آگاهی مخاطب را درباره اثر افزایش دهد. اما دید کلی، در زمانی محقق می شود که مخاطب بینش های حاصل از روش های انتقادی متعدد را با یکدیگر تلفیق کند و درک خود را از اثر به صورت جامع تری شکل دهد. برای فهم بهتر اثر گذاری نقد در جامعه و نقش آن در پویایی فرهنگ

سرمایه گذاران
محمد حسینیخانی
حنیف سروری
بنیاد سینمای فارابی

فیلمی از
عادل تبریزی

تهیه کننده میرولی اله مدنی
تهیه کننده اجرایی و مجری طرح حنیف سروری

حامد بهداد | باران کوثری | سروش صحت | بهرنگ علوی
امیرحسین رستمی | نادر سلیمانی | یژن بنفشه خواه | سیاوش چراغی پور | محمد الهی
مریم همتیان | ایمان اسماعیل پور | علی باغفر | حامد شخی | وحید رحمتی
داود ونداده | با معرق علی راد باحتیو، فرهاد آبیخا | بهرمندی جمشید هاشم پور (آریا)
خاطره سازان رضا صفائی پور - حسن رضایی

پخش از
سینما سانس